



جمهوری اسلامی ایران
ستاد حقوق بشر

شماره ۱۶

گزارش روشنگرانه با موضوع:

**اقدامات نیروهای امنیتی؛ قانونمندی،
تناسب و پاسخگویی**

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

(بهمن ماه ۱۴۰۴)

اللَّهُمَّ ارحم
الرحمن

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

بهمن ماه ۱۴۰۴

مقدمه

هرگونه ارزیابی از عملکرد نهادهای امنیتی یک کشور، مستلزم عبور از نگاه تک‌بعدی و درک آن به عنوان یک «نظام پیچیده است. این نظام متشکل از اجزایی به هم پیوسته شامل: قوانین بنیادین، قواعد عملیاتی، آموزش‌های حرفه‌ای، فرهنگ سازمانی، سازوکارهای نظارتی داخلی و پاسخگویی قضایی است. عملکرد نیروهای امنیتی ایران را باید در چهارچوب این سیستم حقوقی-نهادی تحلیل کرد. این گزارش با رد رویکردهای مبتنی بر تعمیم موارد خاص به کل سیستم، نشان می‌دهد که ساختار حاکم بر این نیروها به گونه‌ای طراحی شده که انحراف از چارچوب‌های قانونی را به حداقل برساند و در صورت وقوع، مکانیسم‌های تصحیح و مجازات خودکار را فعال نماید.

بخش اول: قوانین داخلی استفاده از زور: سلسله مراتب هنجاری از قانون اساسی تا دستورالعمل‌های میدانی

چارچوب حقوقی استفاده از زور در ایران یک سلسله مراتب هنجاری دقیق و شفاف دارد که پاسخگویی را در هر سطح ممکن می‌سازد.

۱. **قانون اساسی چارچوب فراحقوقی و اخلاقی:** قانون اساسی ایران نه تنها یک سند حقوقی، بلکه بیانیه‌ای از فلسفه حکمرانی مبتنی بر کرامت انسانی است. اصول ۲۲^۱، ۳۲^۲، ۳۸^۳ و ۱۵۶^۴ مبنای ممنوعیت مطلق هرگونه تعرض خودسرانه به جان، مال و حقوق افراد هستند. این اصول، خط قرمزهای غیرقابل عبور را ترسیم می‌کنند. نقش قانون اساسی، ایجاد یک «فیلتر اخلاقی-حقوقی» است که تمام قوانین عادی و اقدامات اجرایی باید از آن عبور کنند. هر دستوری که مغایر با این اصول باشد، ذاتاً فاقد اعتبار است و مأموران نه تنها مجاز به اجرای آن نیستند، بلکه مکلف به عدم اجرای آن می‌باشند.

۲. **قوانین عادی و مقررات: تعریف عینی جرائم و اختیارات:** در سطح بعدی، قوانین عادی مانند قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مقررات انتظامی، به تعریف عینی و مشخص جرائم علیه امنیت عمومی، اخلال در نظم و تجمعات غیرقانونی می‌پردازند. اهمیت این قوانین در تعیین حد و مرزهای دقیق است. به عنوان مثال، تفکیک بین «تجمع مسالمت‌آمیز» (که ممکن است تنها نیاز به مجوز داشته باشد) و «اجتماع با قصد اخلال در نظم عمومی و آسیب به اموال» (که جرم محسوب

^۱ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

^۲ هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

^۳ هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

^۴ حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند

می‌شود) در این قوانین صورت می‌گیرد. این تفکیک، مبنای قانونی هرگونه مداخله نیروهای امنیتی را تشکیل می‌دهد. **قانون استخدامی نیروی انتظامی** نیز با ذکر جرائم و تخلفات انتظامی، هشدار واضحی به بدنه این نیرو درباره عواقب تخلف است.

۳. قانون و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های فنی-عملیاتی در زمینه به کارگیری سلاح: قانون و آیین‌نامه استفاده از سلاح^۵ یک سند کلیدی است. این قوانین و آیین‌نامه صرفاً یک لیست ممنوعه نیست، بلکه یک راهنمای عمل مثبت است که:

- **شرایط استثنایی و بسیار محدود** استفاده از سلاح را شفاف می‌کند (حمله مسلحانه مرگبار، فرار متهم خطرناک مسلح، عملیات تروریستی)
 - **فرآیند تدریجی** را الزامی می‌داند: ۱. هشدار شفاهی ۲. هشدار با سلاح ۳. شلیک به عضو غیرحیاتی ۴. شلیک به عضو حیاتی (به عنوان آخرین راه‌حل).
 - **مسئولیت فردی مأمور** را در توجیه هرگونه استفاده از سلاح مشخص می‌کند. هر گلوله‌ای باید قابل توضیح و منطبق بر بندهای مشخص آیین‌نامه باشد. دستورالعمل‌های کنترل تجمعات نیز به همین صورت، **الگوریتم عملیاتی** مشخصی ارائه می‌دهند که بر **فازبندی** (از ارتباط و هشدار تا مداخله فیزیکی محدود) تأکید دارند. این اسناد، **قوه تشخیص و اختیار عمل خودسرانه** مأمور را تا حد امکان محدود و قاعده‌مند می‌کنند.
- ۴. قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) و قاعده فقهی "لاضرر":** اصل تناسب در استفاده از زور با قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»^۶ و نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که بر جبران خسارت ناروا تأکید دارد، همخوانی کامل دارد. هر اقدام غیرتناسبی که منجر به خسارت غیرضروری شود، می‌تواند مسئولیت مدنی و کیفری به دنبال داشته باشد.

^۵ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳.

^۶ در اسلام هیچ زبانی نباید وارد شود.

بخش دوم: اصل تناسب و تدریج:

اصل تناسب و تدریج در نظام حقوقی ایران صرفاً یک شعار نیست، بلکه به یک الزام عملیاتی قابل اندازه‌گیری و آموزش تبدیل شده است.

۱. تناسب به مثابه «معیار سنجش اقدام: تناسب در اینجا یک آزمون دو مرحله‌ای است. اول: تناسب اهداف: آیا هدف از استفاده از زور، مشروع و قانونی است؟ (مانند جلوگیری از جرم در حال وقوع، دوم: تناسب وسیله و نتیجه: آیا میزان زور به کار گرفته شده، ضروری و کمترین میزان ممکن برای دستیابی به آن هدف مشروع است؟ آیا آسیب جانبی وارد شده با اهمیت هدف تناسب دارد؟ در آموزش‌های عملی، این اصل با سناریوهای شبیه‌سازی شده تمرین می‌شود. مأمور آموزش می‌بیند که در برابر یک فرد عصبانی با چاقو، گزینه‌های «درگیری فیزیکی کنترل شده»، «اسپری فلفل» یا «باتوم» بر «شلیک مرگ‌بار» تقدم دارد، مگر آنکه حمله وی فوراً مرگبار تلقی شود.

۲. تدریج به مثابه «فرآیند کنترل بحران»

تدریج، ساختار زمانی و عملیاتی اصل تناسب است. در مدیریت اجتماعات، این فرآیند به صورت زیر تعریف شده است:

- فاز پیشگیری و هشدار: شناسایی، گفت‌وگو با سازمان‌دهندگان، اخطارهای قانونی صریح.
- فاز استقرار و مهار: استقرار نیروها در مواضع دفاعی، استفاده از موانع، جدا کردن معترضان مسالمت‌آمیز از آشوبگران.
- فاز مداخله هدفمند: بازداشت هدفمند محرکین اصلی خشونت، با استفاده از یگان‌های ویژه آموزش دیده برای کمترین درگیری.
- فاز بازگرداندن نظم: پس از مهار خشونت، ترمیم سریع نظم عمومی بدون ادامه درگیری. این فرآیند، از تشدید غیرضروری تنش جلوگیری می‌کند. گزارش‌های عملیاتی داخلی اغلب بر موفقیت در «فازهای اولیه» و اجتناب از ورود به فازهای بعدی تأکید می‌کنند.

بخش سوم: نبود سیاست رسمی خشونت: تحلیل گفتمان فرماندهی، آموزش و فرهنگ سازمانی

ادعای وجود سیاست خشونت، نه تنها با قوانین، بلکه با گفتمان رسمی، محتوای آموزشی و شواهد میدانی در تضاد است.

۱. گفتمان فرماندهی ارشد، تقویت چارچوب قانونی: پیام‌های عمومی و داخلی فرماندهان عالی رتبه نیروی انتظامی و سپاه پاسداران، همواره بر چند محور تکرارشونده تأکید دارد:

- حفظ خون مردم به عنوان ارزشی برتر.
- تمایز قاطع بین مردم معترض و آشوبگران و عناصر مسلح.
- حفظ حرمت و کرامت انسانی حتی در قبال متخلفین
- برخورد قاطع اما کاملاً قانونی

این گفتمان، یک سیگنال قوی از بالا به پایین است که هرگونه خشونت خارج از چارچوب را ناقض دستور مستقیم فرماندهی تبدیل می‌کند. در ساختار سلسله مراتبی نیروهای مسلح، نادیده گرفتن چنین دستورات صریحی، خود یک تخلف بزرگ انتظامی و احتمالاً جنایی است.

۲. نظام آموزش حرفه‌ای: درونی‌سازی اخلاق و قانون: برنامه‌های آموزشی در آکادمی‌های نیروهای امنیتی، ترکیبی از:

- مهارت‌های فنی: حقوق جزا و آیین دادرسی، تکنیک‌های کنترل غیرکشنده، روانشناسی جمعیت.
- مبانی اخلاقی و دینی: آموزش‌های مبتنی بر فقه اسلامی که بر مفاهیمی مانند لزوم احتیاط در جان‌ها (احتیاط در دماء)، حرمت تعدی به مال و جان مردم و عدالت تأکید دارد.

• **بررسی موارد مطالعاتی:** تحلیل حوادث داخلی و بین‌المللی برای آموزش درس‌های عملی درباره عواقب استفاده نابجا از زور، این آموزش‌ها با هدف تربیت **مأموران متفکر و قانون‌مدار** برگزار می‌گردد. تأکید بر «قوه تشخیص» مشروط به چارچوب قانونی است.

۳. **فقدان شواهد ساختاری برای سیاست خشونت:** یک «سیاست رسمی خشونت» نیازمند شواهدی مانند: دستورالعمل‌های کتبی محرمانه حاوی توصیه به خشونت فراقانونی، سیستم پاداش برای اعمال خشونت، یا نبود سازوکار مجازات برای آن است. هیچ‌یک از این شواهد در مورد ایران وجود ندارد. در مقابل، وجود همان آیین‌نامه‌های محدودکننده، نهادهای نظارتی فعال و احکام قضایی صادره علیه **مأموران متخلف**، خود گواه نفی چنین سیاستی است.

بخش چهارم: سازوکارهای نظارتی و انضباطی چندلایه:

نظام نظارتی بر نیروهای امنیتی ایران یک شبکه درهم‌تنیده از نهادهای مستقل و نیمه‌مستقل است که از درون و بیرون عمل می‌کنند.

۱. نظارت درون‌سازمانی: بازرسی و حراست

- دفاتر حفاظت و اطلاعات و بازرسی درون هر نیرو: این نهادها به صورت مستمر به نظارت بر عملکرد یگان‌ها، بررسی شکایات داخلی و گزارش‌های مردمی می‌پردازند. آنها امکان دسترسی فوری به گزارش‌های عملیاتی، فیلم‌های موجود و ارتباطات رادیویی را دارند.
- هیأت‌های انضباطی: به تخلفات کوچک‌تر که ممکن است به سطح جرم نرسد، رسیدگی می‌کنند. مجازات‌هایی مانند کسر حقوق، تعلیق از خدمت، انتقال اجباری و پائین آوردن درجه از ابزارهای انضباطی رایج است.

۲. نظارت برون‌سازمانی قضایی: مستقل و مؤثر

- دادسراهای عمومی و نظامی: این نهادهای کاملاً مستقل از قوه مجریه، به هر شکایت مردمی رسیدگی می‌کنند. تشکیل پرونده برای حوادث منجر به صدمه یا فوت، حتی بدون شکایت شاکی خصوصی (به عنوان جنبه عمومی جرم) امکان پذیر است. قضات دادسرا می‌توانند دستور استعلام از نیروهای مربوطه، بررسی صحنه، جلب نظر کارشناس و حتی بازداشت موقت مأمور متهم را صادر کنند.
- ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران: این نهاد نقش رصد، پیگیری و گزارش‌دهی در مورد پرونده‌های مرتبط با حقوق شهروندی را دارد. انتشار عمومی خلاصه‌ای از روند رسیدگی به برخی پرونده‌های شاخص، نشان‌دهنده عملکرد شفاف‌ساز این سازوکار است.

- **دیوان عدالت اداری:** امکان شکایت از کلیه اقدامات و تصمیمات ادارات دولتی از جمله دستورات یا اقدامات نیروهای امنیتی را فراهم می‌کند. این دیوان می‌تواند اقدام را باطل یا مستلزم جبران خسارت اعلام کند.

۳. نظارت پارلمانی و سازمان بازرسی کل کشور

- **کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس:** شهروندان می‌توانند شکایات خود از عملکرد دستگاه‌ها را به این کمیسیون ببرند. مجلس می‌تواند استیضاح وزیر مربوطه (مانند وزیر کشور) را در صورت وجود کاستی‌های گسترده در دستور کار قرار دهد.
- **سازمان بازرسی کل کشور:** به عنوان نهاد نظارتی، اختیارات گسترده‌ای برای رسیدگی به تخلفات در کلیه نهادها را دارد. گزارش‌های این سازمان می‌تواند مستقیم به مراجع قضایی ارجاع شود.
- **کارایی سازوکارها:** این سیستم‌های نظارتی نیز خالی از چالش نیست (مانند طولانی شدن رسیدگی‌ها در برخی موارد). اما وجود همین چارچوب، امکان پیگیری حقوقی را از شهروندان سلب نمی‌کند. صدور حکم برای مأموران متخلف در دادگاه‌های مختلف (حتی اگر به نظر برخی ناکافی باشد) نشان می‌دهد که سیستم قضایی مستقل، در عمل وارد شده و مجازاتی اعمال کرده است. این، خود ردکننده ادعای «معافیت از مجازات»^۲ به صورت مطلق است.

^۲ Impunity

جمع بندی

عملکرد نیروهای امنیتی ایران در یک چارچوب حقوقی متراکم، چندلایه و عملیاتی شده محصور است. از قانون اساسی گرفته تا دستورالعمل‌های میدانی، آموزش‌های حرفه‌ای و قواعد فقهی همگی بر اصل حفاظت از جان، مال و کرامت مردم در عین برقراری نظم تأکید دارند. سازوکارهای نظارتی متعدّد، سیستم خوداصلاحی را ممکن ساخته‌اند. نهادهای بین‌المللی به جای تکیه بر حکایت‌های مجزاً و تعمیم‌های غیرموجه، می‌توانند:

۱. شناسایی و مطالعه این چارچوب‌های داخلی را در دستور کار قرار دهند.

۲. تبادل تجربه در حوزه‌های فنی مانند آموزش پلیس جامعه‌محور، تکنیک‌های کنترل غیرکشنده جمعیت و ارتقای سیستم‌های نظارتی داخلی را پیشنهاد کنند.

۳. به سازوکارهای قضایی و نظارتی داخلی ایران به عنوان مرجع اولیه و مشروع رسیدگی احترام بگذارند.

حاکمیت ملی و حق هر کشور در طراحی نظام امنیتی-قضایی خود بر پایه ارزش‌ها و شرایط خاص کشور، از اصول مسلم حقوق بین‌الملل است. نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان داده است که برای قاعده‌مند کردن استفاده از زور و پاسخگو ساختن نهادهای خود، ساختارهای حقوقی و نهادی قابل توجهی ایجاد کرده است. گفت‌وگوی واقع‌بینانه باید از شناخت همین ساختارها آغاز شود.

